

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده علوم انسانی

گروه الهیات - فقه و مبانی حقوق اسلامی

بررسی تبعیض در قصاص در فقه و حقوق موضوعه ایران

استاد راهنما:

دکتر ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی

استاد مشاور:

دکتر عبدالله بهمن پوری

دانشجو:

فاطمه اکبریان چنارستان علیا

بهار ۱۳۹۳

رساله حاضر، حاصل پژوهش‌های نگارنده در دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی الهیات-  
فقه و مبانی حقوق اسلامی است که در بهار ماه سال ۱۳۹۳ در دانشکده علوم انسانی  
دانشگاه یاسوج به راهنمایی جناب آقای دکتر ابوالفضل علیشاهی و مشاوره‌ی جناب  
آقای دکتر عبدالله بهمن‌پوری از آن دفاع شده است و کلیه‌ی حقوق مادی و معنوی  
آن متعلق به دانشگاه یاسوج است.



## بررسی تبعیض در قصاص در فقه و حقوق موضوعه ایران

به وسیله ی:

فاطمه اکبریان چنارستان علیا

### پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ

درجه ی کارشناسی ارشد

در رشته ی:

الهیات\_ فقه و مبانی حقوق اسلامی

در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۲۷ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضا	با مرتبه ی علمی (استادیار)	۱- استاد راهنما: دکتر ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی
امضا	با مرتبه ی علمی (استادیار)	۲- استاد مشاور: دکتر عبدالله بهمن پوری
امضا	با مرتبه ی علمی (استادیار)	۳- استاد داور خارج از گروه: دکتر عباس کلانتری
امضا	با مرتبه ی علمی (استادیار)	۴- نماینده تحصیلات تکمیلی دانشگاه: دکتر بی بی زینب حسینی
امضا	با مرتبه علمی (استادیار)	مدیر گروه: دکتر علی مراد حسینی

- تقدیم به همسر و خانواده مهربانم که نگارش این رساله  
حاصل صبر و شکیبایی آنهاست.

## سیاسگزاری

اکنون که به لطف پرودگار این پایان نامه به اتمام رسیده است، بر خود واجب می دانم از تمامی بزرگوارانی که تقبل زحمت کردند و در تهیه و تدوین این پایان نامه مرا از کمک های بی دریغشان بهره مند ساختند؛ کمال تقدیر و تشکر را به جا آورم، خصوصا از جناب آقای دکتر ابوالفضل علیشاهی قلعه جوقی که علاوه بر اینکه راهنمایی پایان نامه بنده را بر عهده گرفتند در طول ترم تحصیلی نیز وقت بسیاری برای تهیه مقاله به بنده اختصاص دادند و همچنین از استاد مشاور، فرهیخته ی ارجمند جناب آقای دکتر عبدالله بهمن پوری که با راهنمایی ها و مشاوره های خویش مرا مورد لطف خود قرار دادند.

همچنین بر خود لازم می دانم از همسر گرامییم آقای قاسم خیراتی مقدم که در تهیه موضوع پایان نامه به بنده کمک فراوانی کردند کمال قدردانی را به جا آورم.

با آرزوی عاقبت به خیری برای تمامی این بزرگواران که مرا مورد عنایت خویش قرار دادند. امید است بتوانم زحمات این بزرگواران را جبران نمایم.

نام: فاطمه

نام خانوادگی: اکبریان چنارستان علیا

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

رشته: الهیات (فقه و مبانی حقوق)

استاد راهنما: دکتر ابوالفضل علیشاهی

تاریخ دفاع: ۱۳۹۳/۳/۲۷

## بررسی تبعیض در قصاص در فقه و حقوق موضوعه ایران

### چکیده

در فقه اسلامی برای احقاق حقوق قربانی و متهم در جرائم مربوط به اعضاء و قصاص شرایطی در نظر گرفته شده، در این میان فرمان کتاب و سنت به قصاص، از پشتوانه تاریخی دیرینه‌ای در میان صاحبان ملل و مذاهب گوناگون برخوردار است. با وجود این شرایط باید دید که امکان تبعیض در قصاص نفس و عضو وجود دارد به این معنا که مجنی علیه و یا ولی، نسبت به جانی، بخشی از قصاص را اجرا و بخشی دیگر را عفو نماید؟ فقیهان در مسأله تبعیض در قصاص عضو (اطراف)، سه دیدگاه دارند: یک- تبعیض در قصاص کلاً پذیرفته شده است. دو- تبعیض در قصاص، تنها برای مرد قابل پذیرش است. سه- در این باره تفصیل وجود دارد به این صورت که با عفو از انگشت سوم مرد و قصاص سه انگشت دیگر وی مخالف است اما با قصاص نصف صدمه بدون پرداخت مازاد دیه موافق است، یعنی با انجام نصف قصاص بدون نیاز به مازاد دیه موافق است ولی با انجام قسمتی از قصاص و عفو مابقی مخالف است. به نظر می‌رسد قول به تفصیل پذیرفتنی‌تر است. در مسأله تبعیض در قصاص نفس، دو دیدگاه وجود دارد که قول به تبعیض وجیه‌تر می‌باشد. این دیدگاه را می‌توان در غالب اهدای عضو مطرح کرد، که با توجه به نجات جان انسان‌ها، امکان جواز آن وجود دارد.

**واژگان کلیدی:** قصاص، تبعیض در قصاص، اولیاء دم، عفو، رضایت جانی، اهداء عضو

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	فصل اول: کلیات و مفهوم شناسی .....
۱.....	۱-۱- بخش اول: کلیات.....
۱.....	۱-۱-۱- مقدمه.....
۲.....	۲-۱-۱- بیان مسئله.....
۴.....	۳-۱-۱- پیشینه‌ی پژوهش.....
۴.....	۴-۱-۱- اهمیت موضوع.....
۵.....	۵-۱-۱- ضرورت پژوهش.....
۵.....	۶-۱-۱- اهداف پژوهش.....
۵.....	۱-۶-۱-۱- هدف کلی پژوهش.....
۵.....	۲-۶-۱-۱- اهداف فرعی.....
۵.....	۷-۱-۱- سوالات پژوهش.....
۵.....	۸-۱-۱- فرضیات پژوهش.....
۶.....	۹-۱-۱- روش اجرای پژوهش.....
۶.....	۱۰-۱-۱- کاربرد پژوهش.....
۷.....	۲- بخش دوم: مفهوم شناسی موضوع.....
۷.....	۱-۲-۱- قصاص.....
۷.....	۲-۲-۱- قود.....
۸.....	۳-۲-۱- ازهاق.....
۸.....	۴-۲-۱- مثله کردن.....
۹.....	۵-۲-۱- ارش.....
۱۰.....	۶-۲-۱- دیه.....
۱۰.....	۷-۲-۱- جرم.....
۱۱.....	۸-۲-۱- قصاص طرف (عضو).....
۱۱.....	۹-۲-۱- شلل و فلج.....
۱۲.....	۱-۹-۲-۱- فلج در فقه.....
۱۳.....	۱-۱-۹-۲-۱- دست و پا.....
۱۳.....	۲-۱-۹-۲-۱- آلت تناسلی مرد.....
۱۴.....	۱-۲-۱-۹-۲-۱- عنن.....
۱۴.....	۲-۲-۱-۹-۲-۱- عدم انقباض.....
۱۵.....	۳-۱-۹-۲-۱- بینی.....
۱۵.....	۴-۱-۹-۲-۱- گوش.....
۱۶.....	۵-۱-۹-۲-۱- چشم.....



۱۶.....	۱-۹-۶-۱-۶-زیان.....
۱۷.....	۱-۹-۷-۱-۷-لب.....
۱۷.....	۱-۹-۸-۱-۸-دندان.....
۱۸.....	۱-۹-۹-۱-۹-ناخن.....
۱۸.....	۱-۹-۱۰-۱-۱۰-فک.....
۱۹.....	<b>۳-۱- بخش سوم: قاعده در فلج شدن.....</b>
۱۹.....	۱-۳-۱- قاعده در فلج شدن اعضاء.....
۱۹.....	۱-۳-۱- ذکر عنین.....
۱۹.....	۲-۳-۱- مستندها.....
۲۰.....	۱-۳-۳-۱- دلیل اول: صحیحه فضیل بن یسار.....
۲۰.....	۲-۳-۳-۱- دلیل دوم: اجماع.....
۲۰.....	۳-۳-۳-۱- دلیل سوم: قاعده دیه قطع عضو.....
۲۱.....	۴-۳-۱- نقد و بررسی.....
۲۲.....	۵-۳-۱- قاعده دیه قطع عضو فلج.....
۲۲.....	۱-۵-۳-۱- مستندها.....
۲۲.....	۱-۵-۳-۱- روایت حکم بن عتیبه.....
۲۲.....	۲-۵-۳-۱- صحیحه ابی بصیر.....
۲۳.....	۳-۵-۳-۱- دلیل دوم: اجماع.....
۲۳.....	۶-۳-۱- عدم تداخل دیه فلج در منفعت.....
۲۳.....	۷-۳-۱- فلج نسبی اعضاء.....
۲۳.....	۸-۳-۱- دیه فلج نسبی اعضاء.....
۲۴.....	۹-۳-۱- فلج و قانون مجازات.....
۲۴.....	۱۰-۳-۱- راه حل‌های پیشنهادی برای حل مشکل این مواد قانونی.....
۲۶.....	<b>فصل دوم: تبعیض در قصاص در فقه شیعه.....</b>
۲۶.....	۱-۲- تاریخچه بحث.....
۲۸.....	۲-۲- تبعیض در قصاص.....
۲۹.....	۳-۲- موارد تنصیف دیه و ارش.....
۳۰.....	۱-۲-۲- تبعیض در قصاص عضو.....
۳۰.....	۱-۲-۲-۱- موجب قصاص.....
۳۰.....	۲-۲-۲-۱- روایات قصاص اعضاء.....
۳۱.....	۴-۲- ملاک در ثلث.....
۳۱.....	۱-۴-۲- دسته اول.....
۳۲.....	۲-۴-۲- دسته دوم.....
۳۳.....	۳-۴-۲- بررسی روایات.....
۳۴.....	۵-۲- قصاص بین دو زن.....
۳۵.....	۶-۲- ملاک در مماثلت.....
۳۶.....	۷-۲- دیدگاه‌ها درباره تبعیض در قصاص عضو.....
۳۶.....	۱-۷-۲- یک- پذیرش تبعیض در قصاص.....
۳۷.....	۱-۷-۲-۱- بیان استدلال.....

۳۸	۲-۷-۲- دو- عدم پذیرش تبعیض در قصاص.....
۳۹	۲-۷-۲-۱- بیان استدلال .....
۳۹	۲-۷-۳- سه- دیدگاه تفصیل .....
۴۰	۲-۷-۴- بررسی ادله.....
۴۴	۲-۸- شرکت در قتل.....
۴۵	۲-۹- شرکت در قطع عضو .....
۴۵	۲-۱۰- بی‌حسی در اعضاء.....
۴۵	۲-۱۰-۱- کتاب.....
۴۶	۲-۱۰-۲- سنت.....
۴۶	۲-۱۰-۳- بررسی ادله.....
۴۶	۲-۱۰-۴- مصادیق بی‌حسی.....
۴۷	۲-۱۰-۴-۱- زنا یا محارم.....
۴۷	۲-۱۰-۴-۲- زنا یا مرد ذمی یا زن مسلمان.....
۴۷	۲-۱۰-۴-۳- اکراه بر زنا.....
۴۷	۲-۱۰-۴-۴- بررسی مصادیق.....
۴۸	۲-۱۱- مصالحه بر دیه.....
۴۸	۲-۲-۲- تبعیض در قصاص نفس.....
۴۹	۲-۲-۲-۱- یک_ پذیرش تبعیض در قصاص.....
۴۹	۲-۲-۲- دو- عدم پذیرش تبعیض در قصاص.....
۴۹	۲-۲-۳- بررسی دیدگاه‌ها.....
۵۰	۲-۱۲- تداخل قصاص طرف در قصاص نفس و دیه عضو در دیه نفس.....
۵۱	۲-۱۲-۱- دلیل تداخل قصاص عضو در قصاص نفس.....
۵۱	۲-۱۲-۱-۱- روایت محمدبن قیس .....
۵۲	۲-۱۲-۱-۲- حدیث ابی‌عبیده .....
۵۲	۲-۱۲-۱-۳- بیان استدلال .....
۵۳	۲-۱۲-۱-۴- بررسی روایات.....
۵۳	۲-۱۲-۲- دلیل عدم تداخل قصاص عضو در قصاص نفس.....
۵۳	۲-۱۲-۱- قرآن.....
۵۴	۲-۱۲-۲- حدیث اصبع بن نباته.....
۵۴	۲-۱۲-۳- روایت ابراهیم بن عمر.....
۵۴	۲-۱۲-۴- بیان استدلال.....
۵۴	۲-۱۲-۵- بررسی ادله.....
۵۵	۲-۱۳- هزینه‌های درمان در قصاص عضو .....
۵۵	۲-۱۴- وصیت به تبدیل قصاص به دیه.....
۵۶	۲-۱۵- اهداء عضو در زمان حیات.....
۵۷	۲-۱۶- اهدا در حال احتضار.....
۵۹	۲-۱۷- رضایت اهداء کننده.....
۶۱	۲-۱۸- پیشینه پیوند عضو.....
۶۲	۲-۱۹- ملکیت، فروش یا پیوند عضو مقطوع به قصاص.....
۶۲	۲-۲۰- پیوند عضو قطع شده.....

۶۳	۱-۲۰-۲- ادله غیر مجوزین.....
۶۳	۱-۲۰-۲- روایت اسحاق بن عمار.....
۶۳	۲-۱-۲۰-۲- اجماع.....
۶۳	۳-۱-۲۰-۲- سکوت پیامبر (ص).....
۶۴	۴-۱-۲۰-۲- نجاست عضو قطع شده.....
۶۴	۲-۲۰-۲- ادله مجوزین.....
۶۵	<b>فصل سوم: حقوق موضوعه و تبعیض در قصاص.....</b>
۶۵	۱-۳- مجازات.....
۶۶	۲-۳- نقص عضو.....
۶۷	۳-۳- جنایت.....
۶۷	۱-۳-۳- جنایت بر نفس.....
۶۷	۲-۳-۳- جنایت مادون نفس.....
۶۷	۱-۲-۳-۳- ضرب.....
۶۸	۲-۲-۳-۳- جرح.....
۶۸	۳-۲-۳-۳- قطع عضو.....
۶۸	۴-۳- قصاص در اعضا.....
۶۹	۵-۳- شرکت در قتل.....
۷۰	۶-۳- قانون مجازات و شرکت در قتل.....
۷۱	۷-۳- قانون مجازات و وجوه تمایزات بین زن و مرد.....
۷۱	۱-۷-۳- الف: زمان مسولیت کیفری.....
۷۱	۲-۷-۲- ب: شهادت زن در دادگاه.....
۷۲	۳-۷-۳- ج: دیه.....
۷۲	۴-۷-۳- د: قصاص.....
۷۲	۸-۳- تنصیف دیه و ارش.....
۷۳	۹-۳- پذیرش یا عدم پذیرش تبعیض.....
۷۵	۱۰-۳- رضایت جانی.....
۷۸	نتیجه‌گیری.....
۷۹	راه‌حل‌ها و پیشنهادات.....
۸۱	منابع و مأخذ.....

## فصل اول

### کلیات و مفهوم شناسی

#### ۱-۱- بخش اول: کلیات

##### ۱-۱-۱- مقدمه

قصاص یکی از مجازات‌هایی است که در جوامع بشری قدمتی دیرینه داشته و کم و بیش در میان مردم هم معمول بوده است و از جمله احکام ویژه‌ی قصاص آن است که اگر جنایت کمتر از قتل صورت یابد، موضوع آن در قلمرو قصاص عضو جای خواهد گرفت و چنانچه جنایت با قصد و آگاهی و از روی عمد منجر به کشته شدن کسی شود، در قلمرو قصاص نفس قرار می‌گیرد. از قصاص به عنوان یک اصل مقابله به مثل نام برده شده، چرا که اصل اولی در برخورد با مجرمان است و رعایت برابری کامل میان جرم و مجازات نیز به عنوان یک حق قانونی ثابت شده است. قصاص از سری مجازات‌های جسمی است که متوجه جسم و جان مجرم می‌شود. لذا از قصاص به عنوان انتقام بدنی نام برده شده که شخصی به نام جانی جنایتی را بصورت عمد و عدوان مرتکب شود. روشن است عملی که بعنوان قصاص انجام می‌گیرد باید با عملی که جانی نسبت به مجنی علیه مرتکب شده است تساوی کامل داشته باشد. قصاص یکی از قوانین حیات بخش جوامع انسانی است همان‌طور که آیات قرآنی نیز این امر را بیان داشته‌اند. «من احیا نفسا فکانما أحیا الناس جمیعا» (مائده، ۳۲)، یا «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره، ۱۷۹). با دقت در این آیات روشن خواهد شد که خداوند تمامی جوانب قابل مطرح در یک امر جزایی را بیان نموده است: حق اولیای دم، حق مجنی علیه، حق جانی، وظیفه جانی و اولیای وی و امثال این موارد. اگرچه با قصاص نفس به حیات شخص مجرم خاتمه داده می‌شود و این موجب تشفی خاطر اولیای دم می‌شود ولی خداوند از حیات انسان‌های دیگر نیز حمایت می‌کند چراکه با قصاص، حق جامعه بر حق فرد مقدم شده است یعنی آنچه مهم است سلامت جامعه است. اما از آنجا که افراد نیازمند دیگری نیز هستند که می‌توانند با پذیرش عضو افراد محکوم به قصاص به حیات خود ادامه دهند و به نوعی با این کار هم می‌توان در جهت داشتن جامعه‌ای سالم از بیماری تلاش نمود لذا می‌توان این مطلب را یکی از علل موجه بر مسئله تبعیض دانست؛ چراکه از سویی هم مجنی‌علیه به نوعی به حق خود می‌رسد و هم اولیای دم به حقوق خود خواهند رسید و هم جان بیمارن نیازمند نجات خواهد یافت.

در رابطه با موضوع قصاص و شرایط تحقق آن، سقوط قصاص و غیره تحقیقات جامع و کافی از سوی صاحب‌نظران در حوزه و دانشگاهها صورت گرفته است ولی در رابطه با موضوع تبعیض در قصاص تاکنون تحقیقات فقهی و حقوقی کافی بعمل نیامده است. نظام تقنینی کشور هم به این مسئله چندان توجه نکرده است و حتی سکوت قانون‌گذار در مسئله تبعیض در قصاص مشکل‌آفرین نیز شده است.

### ۱-۱-۲- بیان مسئله

از فروع‌های مهمی که در بحث قصاص عضو و قصاص نفس می‌توان مطرح کرد، تبعیض در قصاص است. تبعیض در قصاص اطراف به این معناست که بخشی از قصاص را اجرا کند و بخش دیگر را عفو نماید، مثلاً جانی دست مجنی علیه را از کتف قطع کرده است، مجنی علیه خواهان قطع دست جانی از آرنج باشد. در این صورت این سؤالات مطرح می‌شود که آیا مجنی علیه در هنگام قصاص عضو می‌تواند برای بخشی از جنایت وارده طلب قصاص نماید و برای بخش دیگر دیه بگیرد؟ آیا می‌تواند برای قسمتی از جنایت طلب قصاص کرده و نسبت به بخش دیگر مصالحه کند؟ رضایت و عدم رضایت جانی در موارد مذکور چه تأثیری خواهد داشت؟ از میان فقهمیان معاصر برخی قائل به امکان تبعیض در قصاص شده‌اند (اردبیلی، ۱۴۱۸، ۱۵۶ و صانعی، ۱۳۸۸، ۲۴۶ و شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۸۹، ۱۳۸). برخی نیز تبعیض در قصاص را نپذیرفته‌اند (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴، ۴۷۵ و حکیم طباطبایی، ۱۴۲۷، ۶۵ - ۶۳). عده ای نیز رضایت جانی را شرط می‌دانند (اردبیلی، ۱۳۸۱، ۱۵۵). برخی نیز رضایت و عدم رضایت را بی تأثیر دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ۵۲۰).

یکی از مواردی که در بحث تبعیض در قصاص مطرح می‌شود این است که در قصاص عضو دیه زن و مرد یکسان است تا زمانی که به ثلث برسد در این صورت دیه زن به نصف تقلیل می‌یابد، حال این سوال مطرح است که هنگامی که دیه جنایت وارد بر زن، ثلث دیه کامل یا بیشتر از آن باشد، زن می‌تواند به قصاص نیمی از جنایت اکتفا کند و به همین جهت از پرداخت دیه اضافی خودداری ورزد؟ مثل این که مردی چهار انگشت زنی را قطع کند، آیا زن می‌تواند در قصاص به دو انگشت مرد اکتفا کند و به همین علت از پرداخت نصف دیه چهار انگشت خودداری ورزد؟ (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ۵۹۴). در این زمینه اقوال فقها مختلف است:

الف: گروهی تبعیض در قصاص را برای زن قبول ندارند (لنکرانی، ۱۴۲۱، ۱۲۴). و معتقدند که یا باید قصاص کل بکند و یا دیه کل را بگیرند

ب: گروهی تبعیض در قصاص را برای زن قبول دارند (شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۸۹، ۱۳۸). این گروه نظر خود را چنین بیان می‌دارند که زن می‌تواند به میزان نصف صدمه تقاضای قصاص نماید، بدون نیاز باشد چیزی به عنوان مازاد دیه بپردازد یا صدمه را از میزان یک‌سوم به بعد عفو نماید و برای باقیمانده آن یعنی تا یک‌سوم صدمه تقاضای قصاص نماید، بدون اینکه نیاز به پرداخت مازاد دیه باشد

ج: گروهی به تفصیل در تبعیض معتقد هستند (محقق حلی، ۱۳۸۷، ج ۴، ۵۷۲ و نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۲، ۹۰ - ۸۸). یعنی با قطع دو انگشت مرد بدون نیاز مازاد دیه موافق هستند ولی با قطع سه انگشت و عفو انگشت چهارم مخالف‌اند

د: گروهی نیز در این مسئله تردید کردند و فقط طرح مسئله کرده ، سکوت کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ۵۹۴).

تبعیض در قصاص نفس نیز به این معناست که آیا اولیای دم می‌توانند به جای قصاص، عضوی از اعضاء قاتل را قطع کنند، مثلاً به جای کشتن او یکی از پاهای او را قطع نمایند؟ آیا اولیای دم می‌توانند عضوی از بدن قاتل را قطع و نسبت به مابقی طلب دیه کنند؟ آیا اولیای دم می‌توانند عضوی از بدن قاتل را قطع و نسبت به مابقی مصالحه نمایند؟ رضایت و عدم رضایت قاتل در سه حالت فوق چه تأثیری دارد؟ همچنین در این قسم از قصاص این بحث مطرح می‌شود که آیا می‌توان به جای قصاص نفس، اهدای عضو نمود؟ مسئله ازهاق نفس در اهداء چگونه است؟ با فرض پذیرش اهداء، آیا خانواده مجنی علیه، باید مازاد بر دیه‌ی قتل نفس را پرداخت کنند؟ آیا رضایت جانی نیز شرط است؟ برخی با در نظر گرفتن قید مماثلت و با توجه به آیه « الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ » (بقره، ۱۹۴) تبعیض در قصاص را قبول ندارند.

در حقوق موضوعه نمی‌توان حکم صریحی در این خصوص یافت. از طرفی عدم تصریح را نمی‌توان دلیلی بر عدم امکان دانست. چرا که از سویی کلیت، شأن قاعده حقوقی است (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۵۳۰). ماده ۲۶۳ قانون مجازات اسلامی اعلام می‌دارد؛ قصاص با آلت غیر برنده که موجب آزار مجرم باشد، ممنوع است و مثله‌کردن او نیز جرم است.

برخی با استناد به منطوق این ماده، مماثلت در رنج آوری را شرط ندانسته‌اند و بر این نظرند که، چنانچه شیوه‌های سهل‌تری برای اجرای قصاص ابداع شود، مانعی در جهت استفاده آن‌ها نیست و از این رو می‌توان تبعیض در قصاص را از قول این گروه برداشت کرد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۹، ۱۷۹). ماده ۱۴ آیین‌نامه نحوه‌ی اجرای قصاص، قتل، رجم، صلیب، اعدام و شلاق مصوب ۴/۱۳۸۲/۱۳۸۲/۹ تشریح ماده ۲۶۳ اینگونه بیان می‌دارد:

اجرای قصاص نفس، قتل و اعدام ممکن است به صورت حلق آویز به چوبه دار و یا شلیک اسلحه آتشین و یا اتصال الکتریسیته و یا به نحو دیگر به تشخیص قاضی صادر کننده رأی انجام گیرد. منطوق این ماده نیز مماثلت در رنج آوری را از سوی قانون‌گذار مورد پذیرش قرار نداده است. زیرا روش‌های قصاص که در این ماده آمده‌اند، کمترین میزان رنج را برای مجرم به همراه دارد (آیین‌نامه نحوه‌ی اجرای قصاص، قتل، رجم، صلیب، اعدام و شلاق. ۴/۱۳۸۲/۹).

برخی نیز در قصاص کمتر از نفس، در جایی که زن برای قصاص مرد باید نصف دیه صدمه را بپردازد، معتقدند؛ زن می‌تواند به جای تقاضای قصاص نسبت به کل صدمه با پرداخت مازاد دیه، نسبت به نیمی از صدمه بدون پرداخت چیزی به عنوان مازاد دیه، تقاضای قصاص نماید (محمدی جورکویه، ۱۳۸۷، ۲۴۷).

آن چه این پژوهش در پی بررسی آن است، این است که تبعیض در قصاص به چه معناست؟ و چه شرایطی دارد؟ چرا تبعیض در قصاص ممکن است؟ نحوه‌ی اجرای این تبعیض چگونه است؟ آیا تبعیض در قصاص با هدف آیه ۱۷۹ سوره بقره « وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ » تناسب معنایی دارد یا خیر؟ مسائل دیه این تبعیض چگونه خواهد بود؟ و آن‌گاه با بررسی دیدگاه‌های

مختلف فقها به این سؤالات پاسخ داده و شبهات موجود در این مسئله را برطرف کرده و راهکارهای خود را بیان خواهیم کرد.

### ۱-۱-۳- پیشینه‌ی پژوهش

با توجه به جدید بودن این مسئله، پژوهش‌های مستقلی انجام نشده است. اما در لابه لای برخی پژوهش‌های انجام شده در قصاص می‌توان مطالبی در این رابطه دید:

- مسعود امامی (۱۳۸۴) در یکی از پژوهش‌های مرکز تحقیقات قوه قضائیه با عنوان « قصاص در ضرب » به برخی از مخالفین و موافقین تبعیض در قصاص اشار کرده است، در ادامه می‌گوید، می‌توان برای حفظ حق مجنی علیه، به قصاص کمتر از جنایت اکتفا کرد و نسبت به مازاد، درخواست ارش نمود و یا آن را عفو کرد و به نوعی تبعیض در قصاص را پذیرفته است.

- اکبر احمد پور و صدیقه گلستان رو (۱۳۹۰) در مقاله ای با عنوان « قصاص عضو و لزوم همانندی اعضا » با در نظر گرفتن عمومات قصاص و نیز آیات مقابله به مثل، که مستلزم همسانی و مماثلت در قصاص است، نمی‌توان در برابر عضو از دست رفته، عضو غیر مماثل را قصاص کرد، مگر آنکه با دلایلی محکم و استوار بتوان عمومات را تخصیص زد که آن هم منتفی است. با توجه به قید مماثلت می‌توان چنین استنباط کرد که تبعیض در قصاص را نمی‌پذیرند.

- در پژوهشی دیگر دکتر عبدالرضا جوان جعفری (۱۳۹۱) با عنوان « بررسی فقهی حقوقی قصاص از طریق اهدای عضو » بیان می‌دارد، لزوم مماثلت در کیفیت مجازات و جنایت ارتكابی منتفی است و می‌توان قصاص نفس را با بهره‌گیری از شیوه‌ی اهدای عضو که کمترین میزان رنج را به بزهکار تحمیل می‌نماید، اجرا نمود. چرا که از سویی با بهره‌گیری از این روش (ازهاق نفس) داخل در قلمرو شرط مماثلت بوده و از سوی دیگر به علت بیهوش نمودن جانی در اجرای قصاص به این شیوه، کمترین میزان رنج بر او تحمیل می‌گردد.

### ۱-۱-۴- اهمیت موضوع

نکته‌ای که در اهمیت این پژوهش خود را نشان می‌دهد این است که در حوزه پژوهش‌های فقهی، فقها از این مسئله به صورت یک عنوان مستقل بحث نکرده‌اند بلکه در یک فرع از موضوع بحث کرده‌اند. لذا در رابطه با موضوع تبعیض و تبیین امکان یا عدم امکان آن علی‌رغم دارا بودن اهمیت فراوان تاکنون تحقیقات فقهی کامل و کافی به عمل نیامده است. نظام تقنینی کشور هم هنوز در این مورد نظرات قاطعانه و صریحی ابراز نداشته است. برای مثال جای چنین بحث‌هایی در مطالعات حقوقی خالی خواهد بود که آیا می‌توان با ابزارهای بی‌حسی در قصاص از احساس الم و درد جانی جلوگیری کرد؟ یا مثلاً در اجرای قصاص نفس، جانی را بیهوش گردانید؟ و علاوه بر کاهش اثرات روانی صحنه‌ی اجرای حکم اعدام، از اعضای بدن جانی همچون قلب و کلیه نیز برای نجات سایر بیماران استفاده کرد که بررسی این مسائل، خصوصاً در شرایط فعلی جامعه ما تحقیق‌های دامنه‌داری را می‌طلبد.

### ۱-۱-۵- ضرورت پژوهش

با توجه به نبود پژوهشی مستقل در این راستا و مبتلا بودن موضوع در نظام تقنینی کشور بر خود لازم دانسته تا با جمع‌آوری اقوال فقهی - حقوقی و استفتائات قضایی مسئله پیش رو را تبیین کرده و ابهامات موجود را برطرف کرده و به نوعی سعی شده تا به نارسایی قوانین موجود اشاره گردد در نهایت برای سکوت قانون‌گذار در این مورد که منجر به این نارسایی‌ها شده یک یا چند پیشنهاد داده تا در ضمن پیدا کردن چند راه‌حل برای ابهامات موجود از بروز ایرادات بعدی جلوگیری کرد. و از آنجا که جای طرح اینگونه مسائل در دانشگاهها و پژوهشگاهها خالی است بر خود لازم دانسته تا پژوهش پیش‌رو را به مرحله تدوین رسانده و وجود این خلا را پر نمایم.

### ۱-۱-۶- اهداف پژوهش

#### ۱-۱-۶-۱- هدف کلی پژوهش

بررسی تبعیض در قصاص در فقه و حقوق موضوعه ایران

#### ۱-۱-۶-۲- اهداف فرعی

- ۱- تداخل یا عدم تداخل قصاص عضو در قصاص نفس در دو حوزه فقه و حقوق
- ۲- چگونگی مقابله به مثل در قصاص در دو حوزه فقه و حقوق
- ۳- شرکت در قتل یا قطع عضو
- ۴- توجه به مسائل نوظهور در مورد اجرای قصاص مانند مسئله تبعیض، پیوند عضو و بی‌حسی عضو هنگام قصاص.
- ۵- بیان برخی از مشکلات قوانین موجود.

### ۱-۱-۷- سوالات پژوهش

- ۱- تبعیض در قصاص در بحث ارش زنان و مردان در بیشتر از ثلث چگونه است؟
- ۲- تبعیض در قصاص در بحث دیه زنان و مردان در بیشتر از ثلث چگونه است؟
- ۳- هزینه‌های درمان حاصل از قصاص عضو و غیر عضو بر عهده کیست؟
- ۴- آیا برای اجرای قصاص عضو می‌توان به بی‌حس کردن عضو مورد نظر اقدام کرد؟
- ۵- آیا برای اجرای قصاص نفس می‌توان از روش‌های دیگری چون اهداء عضو بهره جست؟

### ۱-۱-۸- فرضیات پژوهش

- ۱- تبعیض در بحث ارش در بیش از ثلث به نصف تقلیل می‌یابد.
- ۲- تبعیض در بحث دیه در بیش از ثلث به نصف تقلیل می‌یابد.
- ۳- هزینه‌های درمان در قصاص عضو و غیر عضو بر عهده بیت‌المال است و در صورت تعذر بر عهده جانی خواهد بود.



- ۴- برای اجرای قصاص عضو می‌توان به بی‌حس کردن عضو مورد نظر اقدام کرد.
- ۵- برای اجرای قصاص نفس می‌توان از روش‌های دیگری چون اهداء عضو بهره جست.

### ۱-۱-۹- روش اجرای پژوهش

روشی که در این پژوهش به کار می‌رود، توصیفی-تحلیلی است. توصیف یعنی این که تبعیض در قصاص در دو حوزه فقه و حقوق به چه معناست و تحلیل به این معناست که پس از ارائه نظرات مربوطه فقها و حقوقدانان در مورد تبعیض در قصاص، به بررسی و تحلیل این نظرات پرداخته می‌شود. به این ترتیب که ابتدا در منابع فقهی از نظریات موافقین و مخالفین بحث می‌شود و در ادامه با بررسی این موضوع در حقوق، به تبیین و مقایسه این مسئله و دلایل آن‌ها می‌پردازیم. و سپس راهکارهای پیشنهادی برای این مسئله ارائه می‌شود. در این پژوهش برای گردآوری مطالب از فیش تحقیق استفاده خواهد شد که پس از جمع‌آوری مطالب در فیش تحقیق، مطالب به صورت منظم دسته‌بندی و تدوین و به نگارش در می‌آید و از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی با مراجعه به مراکز علمی و پژوهشی معتبر استفاده خواهد شد.

### ۱-۱-۱۰- کاربرد پژوهش

نظر به اینکه قصاص همانند سایر حقوق قائم به شخص، مانند حق حیات، آزادی و .. برای فرد مجنی‌علیه در نظر گرفته شده است، اما شخص مجنی‌علیه یا اولیای دم می‌توانند ضمن داشتن این حقوق برای داشتن جامعه‌ای سالم گاهی از برخی حقوق خود بگذرند تا بتوانند در راستای عمل به چنین مواردی چیزهای دیگری بدست آورد که به احتمال خیلی زیاد فواید بیشتری از قصاص برای طرفین خواهد داشت؛ چراکه یکی از اهداف جعل قصاص برای تشفی خاطر صاحبان خون و فرد مجنی‌علیه است ولی روش‌های دیگر نیز هستند که این تشفی خاطر را برای آنان فراهم می‌آورد، تبعیض در قصاص نیز یکی از این موارد است که می‌توان در این روش ضمن اجرای قصاص فوایدی را برای جامعه نیز فراهم کرد مثلاً می‌توان برای نجات جان انسان‌های نیازمند که روزبه روز بر این تعداد نیز افزوده می‌شود، به جای قصاص نفس اهدا عضو کرد تا در ضمن اجرای قصاص جان این نیازمندان را نجات داد و یا می‌توان برای کمک به خانواده قاتل که معمولاً نقشی در این قتل یا قطع عضو نداشته‌اند و بی‌گناه می‌بایست در این قصاص نفس بسوزند، با اجرای قصاص عضو به جای قصاص نفس از جان قاتل گذشت، و پژوهشگاهها و دانشگاهها می‌توانند با پژوهش در این روش، در اجرای این طرح کمک فراوانی را انجام دهند.

## ۲-۱ - بخش دوم: مفهوم شناسی

از آنجا که موضوع پیش‌رو موضوعی نو و تازه پیدا در حوزه پژوهش‌های جزایی است در ابتدای سخن، قبل از ورود به بحث اصلی، سعی بر آن است تا واژگان و لغاتی را که در این موضوع نقش مهم‌تری ایفا می‌کنند و در این مسئله بیشتر با آن‌ها سروکار وجود دارد؛ بررسی کردند. اصطلاحاتی که لازم است در شروع تعریف گردد: از این قرار است: قصاص، قود، مثله کردن، ارش، دیه، جرم، ازهاق، تبعیض، فلج و شلل.

### ۱-۲-۱ - قصاص

قصاص از ماده قصّ به معنای پی گرفتن است و «قَصَّ الأثر» یعنی پی او را گرفت (زبیدی واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ۳۳۴؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۷۹). بعضی آن را از «قَصَّ» یا «قصص» به معنای قطع و پی گرفتن تعریف کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ۷۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۴ش، ج ۴، ص ۷۲؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ۱۷۹) تعریف اصطلاحی قصاص نیز از معنای لغوی آن فاصله زیادی نگرفته است؛ به گونه‌ای که بسیاری از فقهایان در تعریف قصاص تقریباً به معنای لغوی آن بسنده کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۲، ۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰، ۱۱) در اصطلاح به معنای واکنش نشان دادن در برابر جنایت به مانند آن تعریف شده است و نیز به معنای پی‌گیری و تعقیب جنایت محقق شده (قتل، جرح و مانند آن) توسط جانی است و مجازات کردن وی به همان اندازه که او انجام داده است، به این صورت که کشنده را بکشند و ضارب به ضرب و جراح را به جروح تنبیه کنند (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ۱۳۵؛ فاضل لنگرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۹؛ معین، ۱۳۸۲، ج ۲، ۲۶۷۹) و یا مساوات در کشتن به گونه‌ای نسبت به قاتل مثل آنچه که او انجام داده است صورت گیرد (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ۱۸۰) این تعریف هم شامل قصاص در نفس می‌شود و هم قصاص عضو. یا اسمی برای کامل دریافت کردن حق و برابر انجام دادن جنایت است (مومنی، ۱۳۸۰ش، ۳۱۹). و یا کیفر جنایت که مثل آن جنایت را بر نفس و یا اعضای دیگری وارد آورده است (صدر، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ۵۱۳). به نظر می‌رسد که تمامی تعاریف به این نکته اشاره دارند که فرد قاتل باید به مجازات عملی که مرتکب شده است، برسد.

### ۱-۲-۲ - قود

قصاص نزد لغویان با واژه قود برابری می‌کند، لذا قود را مترادف با قصاص استعمال می‌نمایند و قود را چنین تعریف کرده‌اند "الْقَوْدُ: القتل بالقتیل" کشتن در مقابل کشته شده (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ۱۹۷)، یا "الْقَوْدُ: القصاص و قتل القاتل بدل القتیل" کشتن قاتل بدل از کشته شده است (ابن‌اثیر، ۱۳۶۴ش، ج ۴، ۱۱۹). از مشتق این کلمه نیز مشابه معانی مذکور بدست می‌آید: مثلاً در، أُقْدَتْهُ: انتقمتم منه بمثل ما أتى. یعنی از او به مثل آنچه آورد انتقام گرفتم (ابن‌اثیر، ۱۳۶۴ش، ج ۵، ۱۹۷).

دلیل اینکه این عمل را قود گفته‌اند اینگونه بیان شده است که: "واو" در قود مفتوح است و قصاص را قود گویند؛ زیرا که جانی را برای اعمال مجازات از پشت سر با طناب و مانند آن می‌کشیدند (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰، ۱۵؛ عاملی ترحینی، ۱۴۲۷ق، ج ۹، ۴۴۵) اما در صورتی که واو در قود

ساکن باشد معنای قصاص نمی‌دهد؛ زیرا در این صورت مصدر خواهد بود (شوشتی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۱، ۲۲۶)، در روایتی از امام باقر (ع) وارد شده است «لا قود لمن لا یقاد منه» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ۷۱) «کسی که قصاص نمی‌شود، به خاطر او نیز کسی را قصاص نمی‌کنند.» این قول انصراف به کسی دارد که قابلیت قصاص داشته باشد یعنی از عبارت مذکور می‌توان دریافت که قود چیزی جزء قصاص نیست همان طور که در متون فقهی نیز برای کلمه قصاص لفظ قود را استعمال کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که همسانی واژه قود با واژه قصاص مورد پذیرش اهل لغت و فقهیان است.

### ۱-۲-۳- ازهاق

زهق و زهوق را خروج روح و هلاکت، بطلان روح، اضمحلال، خروج روح از جهت کثرت تأسف گویند (فیومی، بی تا، ج ۲، ۲۵۸؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ۱۷۹؛ جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ۱۴۹۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ۱۴۷؛ راغب‌اصفهانی، ۱۴۲۱ق، ۳۸۴).

ازهاق نفس، خارج کردن نفس است در نزد لغت دانان نیز با این تعبیر از ازهاق نام برده شده است؛ زَهَقَتْ نَفْسُهُ زُهُوقًا (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ۲۰۴؛ حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ۲۸۶۲) طبرسی نیز در تعریف زهق چنین بیان می‌دارد: بیرون آمدن یا خروج با صعوبت و سختی است و در اصل به معنای هلاکت و نابودی است، و بحیوانات خیلی چاق نیز «زهاق» گویند از باب اینکه بخاطر چاقی و سنگینی بدن در راه رفتن و جنگ و گریز به هلاکت خواهد افتاد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۵۹). با توجه به این که نفس در حقیقت داخل در بدن نیست تا بوسیله کشتن از آن خارج شود می‌توان گفت منظور از ازهاق نفس، خارج کردن نفس از تعلق داشتن به بدن است؛ و می‌توان گفت که منظور از زهوق در این تعریف، سلب حیات است که تعبیری مجازی است (شهیدثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳، ۶۵؛ نقل از عاملی-ترحینی، ۱۴۲۷ق، ج ۹، ۴۴۴) همین طور می‌توان گفت که مراد از ازهاق، مرگ قطعی است که اعمال قلبی و عروقی و حسی و حرکتی به طور کامل از بین برود و برگشت آن امکان نداشته باشد. علایم مرگ حقیقی عبارتند از توقف جریان خون، توقف تنفس، اتساع و ثابت ماندن مردمک در هر دو چشم و از بین رفتن امواج قلب و مغز. معمولاً مرگ حقیقی سه تا پنج دقیقه پس از قطع تنفس و جریان خون و به عبارت دیگر ظاهر شدن علایم ذکر شده فوق به وقوع می‌پیوندد. که این بارزترین مصداق ازهاق نفس است (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷، ج ۱، ۵۵).

### ۱-۲-۴- مثله کردن

مثله، اسم مصدر از تمثیل است به معنای تنکیل و عقوبه و باب تفعیل آن برای مبالغه می‌آید (صاحب-بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ۱۵۱)، و یا در معنای بریدن برخی از اعضای بدن مانند گوش، بینی، زبان و امثال آن است (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ۴۸۶؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ۶۸۳) به عبارت دیگر، تغییر قیافه شخص با بریدن اعضای مذکور را مثله گویند (مجلسی دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ۴۲۰) یا چنین آمده است «مثلت بالحيوان، أمثل به مثلاً؛ اعضای آن حیوان را بریدم و آن را زشت و معیوب ساختم» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ۶۱۵) مثله کردن جانی جایز نیست به این صورت که برخی از اعضای بدن جانی را ببرند، هر چند که جانی مقتول یا مجنی‌علیه را مثله کرده باشد. در روایات نیز به این مطلب

بسیار اشاره رفته است رسول خدا نهی کرده است که چهارپایان زنده را ببندند که حرکت نکنند و آن‌گاه مانند هدف ثابت به سوی آن‌ها تیراندازی کنند یا اعضایشان را ببرند<sup>۱</sup> (نقل از زمخشری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ۲۲۵). و مشهور میان فقهای ما آنست که در قصاص نمی‌توان قاتل را مثله کرد هر چند او دست و پا و گوش و بینی را بتفریق بریده باشد (به این صورت که نخست اعضای بدن وی را بریده باشد و آنگاه وی را کشته باشد)، بنابراین، مراد از تمثیل، شکنجه جسم و مثله کردن است، حال انسان باشد یا حیوان، زنده باشد یا مرده و روایات متعددی در این زمینه آمده است.<sup>۲</sup>

### ۱-۲-۵- ارش

ارش به معنای دیه، دیه جراحت است (صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ۳۷۵؛ جوهری، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ۲۲۷)، البته دیه جراحتی که میزان آن معین نیست، و یا به معنای جراحات به کار رفته است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ۹۵۵). همچنین در لغت به معنای خراش، خصومت دیه، پاداش و کیفر به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص) حال این دیات یا اندازه آنها مقدر است که اندازه آنها در شرع مقرر شده است یا غیر مقدر. در مورد صدمه به منافع و حواسی که میزان دیه برای آنها مشخص نشده است مانند خواب، عطش، گرسنگی و... حکومت یا ارش پرداخت می‌شود. ماده ۴۴۹ قانون مجازات جدید در مورد ارش چنین بیان می‌دارد: ارش، دیه غیر مقدر است که میزان آن در شرع تعیین نشده است و دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تاثیر آن بر سلامت مجنی‌علیه و میزان خسارت وارده با در نظر گرفتن دیه مقدر و با جلب نظر کارشناس میزان آن را تعیین می‌کند. مقررات دیه مقدر در مورد ارش نیز جریان دارد مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شود (قانون مجازات اسلامی، ماده ۴۴۹). از ارش به عنوان حکومت نیز نام برده می‌شود البته منظور از حکومت حکم قاضی نیست بلکه حکومتی است که به معنای ارش است یعنی مثلاً دیه از طرف شرع مشخص نشده است و تفاوت بین قیمت صحیح و معیب را بدست آورند به این صورت که شخص آزادی را که مجروح شده است بنده و قابل فروش فرض می‌کنند و تفاوت قیمت قبل از جراحت و بعد از جراحت وی را بدست می‌آورند و این تفاوت قیمت و نسبت سنجی را ارش یا حکومت می‌گویند (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ۲۸۴)

<sup>۱</sup> - «نهی أن یمثل بالدواب»

۲- مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الرَّضِيِّ فِي نَهْجِ الْبَلَاغَةِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَنِ ع بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا الْفَيْئَكُمْ تَخُوضُونَ دِمَاءَ الْمُسْلِمِينَ خَوْضًا تَقُولُونَ: قُتِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ أَلَا لَا تَقْتُلُنَّ بِي إِلَّا قَاتِلِي!  
انظروا! إذا أنا مت من ضربته هذه، فأضربوه ضربةً بضربة. و لا یمثل بالرجل، فإني سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله (و سلم) يقول: إياكم و المثلثة و لو بالكلب العفور (حراملى، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ۱۲۸؛ سيد رضی، ۱۴۱۴ق، ۳۶۲) «از امير المؤمنين - عليه السلام - در وصیت‌نامه‌اش به امام حسن - عليه السلام - ای فرزندان عبد المطلب، من نیابم شما را که خوض کنید، و فرو بروید در ریختن خون مسلمانها، و پیوسته بگوئید: امیر المؤمنین کشته شد، امیر المؤمنین کشته شد؛ آگاه باشید! نباید شما به خونخواهی من، کسی را بکشید مگر یک نفر، که آن هم قاتل من است.» «ببینید! اگر من از این ضربتی که او به من زده است مُردم، او را یک ضربت بزنید، در مقابل آن ضربتی که به من زده است. یک ضربت در مقابل یک ضربت.» «او را مثله نکنید (قطعه قطعه نکنید، گوش و بینی و دست و پای او را نبرید). زیرا من از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: مبادا شما کسی را مثله کنید، و لو سگ گزنده‌ای باشد؛ حتی سگ‌ها را گزنده را مثله نکنید.»